

**Place Identity and effective factors on it in Old Neighborhoods
(Case Study: Kolah Farangi Neighborhood in Sabzevar)**

Saeed Hossein abadi ^{1*}, Mohammad Salmani Moghadam ², Maryam Nouri Dashtban ³

1- Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Bozorgmehr University of Qaenat, Qaen, Iran

2- Assistant Professor of Urban and Rural Planning, University of Hakim Sabzevari, Sabzevari, Iran

3- Graduate Student of Geography and Urban Planning at Hakim Sabzevari University Sabzevari, Iran

Abstract

Places form part of people's identity. But today, urban places, including neighborhoods – affected by urbanism and urbanization- have lost their meaning, resulting in the weakening of today-citizens' place identity. However, some old neighborhoods -as Identity-maker elements- may still maintain and enhance citizens' place-identity, and due to this important role, this calls for double attention.

Regarding the importance of this subject, the aim of this research is to analyze the place identity level, and its affecting factors, in one of the oldest neighborhoods in Sabzevar, named Kolah Farangi Neighborhood .This is a survey research, the required data of which, have been collected by questionnaire with simple random sampling, then analyzed using one-sample T-test and Pearson correlation and Lambda correlation. In the paper, place-identity has been evaluated with five components, including external evaluation, familiarity, past-continuity, place commitment and attachment. Results show that, except of the external evaluation component, other components of place-identity are at the appropriate level and despite the changes that have taken place in the physical context of the Kolah Farangi neighborhood, the neighborhood still has a high level of identity for its inhabitants. Also, the length of residence in a neighborhood, housing ownership status, social interactions and the sense of security, affect the place-identity.

Keywords: Place Identity, Old Neighborhoods, Kolah Farangi Neighborhood, Sabzevar.

فصلنامه علمی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)

سال نهم، شماره دوم، (پیاپی ۳۴)، پاییز ۱۳۹۸

تاریخ وصول: ۹۴/۱۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۰۴

صص: ۸۹-۱۱۰

هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن در محلات قدیمی نمونه مطالعه: محله کلاه‌فرنگی سبزوار

سعید حسین آبادی*، محمد سلمانی مقدم، مریم نوری دشتیان

۱- استادیار، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران

۲- استادیار، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه ریزی شهری از دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

چکیده

مکان‌ها سازنده بخشی از هویت افرادند؛ اما امروزه مکان‌های شهری از جمله محلات متأثر از شهرنشینی و شهرسازی جدید معنای خود را از دست داده‌اند که نتیجه این فرایند، تضعیف هویت مکانی شهروندان امروزی بوده است. با وجود این ممکن است بعضی محلات قدیمی همچنان به‌مثابه عناصری هویت‌بخش به حفظ و ارتقای هویت مکانی شهروندان کمک کنند و به سبب همین نقش مهم، شایسته توجهی دوچندان باشند.

با توجه به اهمیت موضوع، هدف این پژوهش، مطالعه سطح هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن در یکی از محلات قدیمی سبزوار با نام «محله کلاه‌فرنگی» است. این پژوهش جزو پژوهش‌های پیمایشی است. داده‌های میدانی لازم با پرسش‌نامه و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، گردآوری و با استفاده از آزمون‌های آماری T تک‌نمونه‌ای، همبستگی پیرسون و همبستگی لامبدا، تحلیل و هویت مکانی با پنج مؤلفه ارزیابی بیرونی، آشنایی، تداوم با گذشته، تعهد و تعلق به مکان سنجیده شده است.

نتایج نشان می‌دهد به‌جز مؤلفه ارزیابی بیرونی، سایر مؤلفه‌های هویت مکانی در سطح مناسبی قرار دارد و برخلاف تغییراتی که در بافت فیزیکی محله کلاه‌فرنگی به وجود آمده است، ساکنان این محله همچنان احساس هویت مکانی نسبتاً زیادی را تجربه می‌کنند. همچنین مدت اقامت در محله، مالکیت مسکن، تعاملات اجتماعی و احساس امنیت بر هویت مکانی تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی: هویت مکانی، محلات قدیمی، محله کلاه‌فرنگی، شهر سبزوار

مقدمه

۱-۱- طرح مسئله

در حال حاضر بحران هویت یا احساس بی‌هویتی به منزله یکی از بحران‌های زندگی انسان امروز در بسیاری از قلمروها و بیشتر جوامع دیده می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۷ به نقل از جهانی دولت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۲). یکی از این قلمروها، قلمرو هویت مکانی است. هویت مکانی یا هویت برپایه مکان به معنای داشتن اهمیت داشتن مکان‌ها برای ساکنان و استفاده‌کنندگان آنها و این مسئله اشاره دارد که چگونه این معانی به ادراک فرد از خویشتن وی کمک می‌کند (Simandan, 2011: 6-15). هویت مکانی نشان‌دهنده اهمیت نمادین یک مکان به منزله مخزن احساسات و روابطی است که به زندگی هدف و معنا می‌بخشد. به این ترتیب هویت مکانی به قول پروشانسکی^۱ به‌منابه مؤلفه‌ای از هویت خویشتن است که عزت نفس و حس تعلق به اجتماع را در فرد افزایش می‌دهد (R. Williams, 2003: 831). در واقع مکان سازنده بخشی از شخصیت و هویت افراد است که خود را با آن می‌شناسند و به دیگران می‌شناسانند؛ آنگاه که درباره خود می‌اندیشند، خود را به آن مکان وابسته می‌دانند و آن مکان را بخشی از خود می‌انگارند و با آن روابط عمیقی برقرار می‌کنند؛ پس هویت مکانی بخشی از زیربنای هویت انسان و برآیند شناخت او درباره جهانی است که در آن زندگی می‌کند (کاویانی‌راد و عزیزی کاوه، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

در طول چند دهه گذشته بر اثر فرایندهایی مانند جهانی‌شدن، شهرها به‌طور روزافزون در حال تغییرند؛ این تغییرات در الگوهای فضایی آنها، فرم ساختمان‌ها و... رخ داده است. نیروهای متفاوت جهانی‌شدن و اشکال جدید معماری و شهرسازی تأثیر بسیاری بر درک مردم از خود و هویت خود گذاشته است (Musa, 2013: 1). بر اثر چنین تغییراتی، حس مکان و تداوم آن در بسیاری از مکان‌ها در معرض خطر قرار دارد (Radstrom, 2011: 91)؛ عمق معنی، تعلق و تجربه حضور در مکانی متفاوت تضعیف می‌شود که زوال معنای مکان یا بی‌مکانی نامیده می‌شود (Ujang, 2008: 156).

امروزه «ازدست‌رفتن مکان» به سرگشتگی و بیگانگی انسان انجامیده است. تقلیل سکونتگاه‌های انسانی به سرپناهی بدون معنا و بی‌ثمر که کارکرد راستین خود یعنی مأمن و مأو بودن را از دست داده، به ایجاد «بیگانگی» منجر شده است که پیامدهایی چون ازدست‌رفتن حس تعلق و وابستگی را در پی خواهد داشت (تابان و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۰). ازدست‌رفتن مکان بیش از هر چیز در سطح شهر احساس می‌شود. قرارگاه مدرن امروز به محیط شهری لبریز از سروصدا، گيجی و فردگرایی تغییر یافته است (دانش‌پایه و حبیب، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

یکی از علل ازدست‌رفتن مکان و هویت مکانی در شهرها، تضعیف نقش محلات است؛ زیرا محله به‌منزله شاكلة هویت‌بخشی و معنا بخشی به مکان‌های شهری است؛ به‌طوری‌که راپوپورت^۲ (۱۹۹۷) محله را ابزاری توصیف می‌کند که ساکنان با بهره‌گیری از آن، هویت خود را بازمی‌یابند و به توانایی معرفی خود در سطح فردی یا جمعی می‌رسند (خادم‌مؤخر و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۱).

¹ - Proshansky

² - Rapoport

در گذشته محلات بیش از امروز از یکدیگر متمایز بوده‌اند؛ زیرا علاوه بر سیمای محله، ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی ساکنان آنها نیز با یکدیگر متفاوت بوده است. طی سال‌های متمادی محلات بخشی جدانشدنی از محیط شهری بوده‌اند؛ بخش زیادی از بار معنایی و هویتی شهر بر عهده محلات است؛ محلات احساس هویت و تعلق به محیط را در بین ساکنان خود گسترش می‌دهند (رحمانی و پورجعفر، ۱۳۹۵: ۲۰). در شهر ایرانی، محله حتی بهتر از هویت شهری در انسجام بخشی به شهر ایرانی ایفای نقش کرده است؛ اما با ورود مدرنیته و تحولات بنیادین بافت کالبدی، محله مفهوم سابق خود را نزد مردم از دست داد و جای خود را به برداشت‌های جدید مانند بلوک سپرد و هویت محله‌ای کم‌رنگ شد. این کم‌رنگی باعث شد هویت مکانی شهروندان تضعیف شود و شهروندان به محل زندگی خود حس مکانی نداشته باشند (مجیدی و حیدری، ۱۳۹۶: ۱۴).

شهر سبزوار، یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران، نیز در دل خود محلات تاریخی و قدیمی دارد که به نوعی نمایی از گذشته و فرهنگ این شهر را بازتاب می‌دهند؛ به طوری که توجه به آنها در ایجاد حس هویت مکانی در ساکنانشان و حتی هویت شهری در سایر شهروندان مؤثر است؛ از این رو این پژوهش بر آن است میزان هویت مکانی ساکنان محله قدیمی کلاه‌فرنگی را در شهر سبزوار بسنجد تا مشخص شود آیا این محله قدیمی هنوز در ایجاد حس هویت مکانی در ساکنان خود موفق عمل می‌کند یا خیر؛ همچنین در این مقاله تأثیر بعضی عوامل بر هویت مکانی ساکنان این محله بررسی و تحلیل خواهد شد.

۱-۲- پیشینه پژوهش

در زمینه هویت مکان و هویت مکانی و شهری مطالعات و پژوهش‌های متعددی انجام پذیرفته است: ریل^۱ (۱۹۹۲) در پژوهشی دریافت حس تعلق مکانی در نتیجه خاطرات موجود از ارتباطاتی شکل می‌گیرد که در مکان رخ می‌دهند. او اشاره می‌کند ما مکان‌هایی را به یاد می‌آوریم که در آنها اتفاقات مطلوبی را تجربه کرده‌ایم؛ بنابراین هویت مکانی قسمتی از تجربه ماست (Ganji Jameh Shouran et al, 2016: 16).

لالی^۲ (۱۹۹۲) در مقاله‌ای چهارچوبی برای عملیاتی کردن مفهوم هویت شهری معرفی کرده است. در این مدل ۵ بعد برای هویت مکانی در نظر گرفته و تشریح شده است. این ابعاد شامل ارزیابی خارجی، تعلق کلی، آشنایی، تعهد و تداوم است. او همچنین براساس این مدل هویت مکانی را در چند مطالعه پیمایشی سنجیده است.

اوجنگ^۳ (۲۰۰۸) در مقاله خود با طرح پرسش‌نامه و مصاحبه عمیق با کاربران اصلی خیابان‌های تجاری عمده شهر کوالالامپور مالزی، مطالعه تأثیر تعلق مکانی را بر درک ساکنان از هویت شهری هدف پژوهش خویش ساخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد نقاط اصلی فعالیت به مثابه مراکز اقتصادی، ساختمان‌های متمایز و فروشگاه‌های معروف، نقش مهمی در هویت مکانی این شهر دارند.

¹ - Rila

² - Lalli

³ - Ujang

چو و هیلی^۱ (۲۰۰۸) در قالب مقاله‌ای تعلق و هویت مکانی و تغییرات آن را در فاصله بین دوره زندگی در کنار خانواده و زندگی در دانشگاه مقایسه کردند. نتیجه حاکی است معنای مکان در پرتو ارتباطات فیزیکی و اجتماعی متغیر با مکان و بین مردم و مکان، به‌طور مستمر ارزیابی و تعریف دوباره می‌شود.

پیتون^۲ (۲۰۰۳) در پایان‌نامه خود تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی را بر عملکرد مدنی در ارتباط با حفظ و مدیریت منابع طبیعی مطالعه کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی و عملکرد مدنی در ارتباط با حفظ و مدیریت منابع طبیعی وجود دارد؛ از این رو مدیران این امکان را خواهند داشت با توجه به تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بازدیدکنندگان و استفاده‌کنندگان از محیط‌های طبیعی برای طراحی برنامه‌های مشارکتی شهروندی بهره‌برند.

لویکا^۳ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای حافظه جمعی دو شهر لویو^۴ (در اوکراین، قبلاً با نام لوه^۵ در لهستان) و وروکلاو^۶ (در لهستان قبلاً با نام برسلاو^۷ در آلمان) را بررسی کرده است. به دلیل تغییرات مرزی در شرق و مرکز اروپا پس از جنگ دوم جهانی، تعلق سرزمینی و در پی آن جمعیت این دو شهر تغییر کرده است. این مطالعه بر حافظه مکان سکونت و رابطه آن با هویت و تعلق مکانی تمرکز داشته است. حافظه جمعی در هر دو شهر نوعی تعصب قومیتی شدید را البته با مکانیزم‌هایی متفاوت نشان می‌دهد. عوامل تعیین‌کننده تعصب در لویو بیشتر نشئت گرفته از هویت ملی است؛ در حالی که در وروکلاو متغیرهای جمعیت‌شناختی و نبود هویت مکانی عامل تعیین‌کننده در این زمینه است. مکان (شهر) در لویو به‌منزله نماد ملی و در وروکلاو به‌منزله وجود و هویتی خودمختار ساخته شده بود.

هائوی^۸ (۲۰۱۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود رابطه بین هویت مکانی و توسعه پایدار را در سطح خانوار در دو محله شهر پورتلند ایالت اورگن بررسی کرده است. این دو محله از نظر جمعیت‌شناختی به یکدیگر شبیه هستند؛ اما یکی هویت محله‌ای پایدار را نشان می‌دهد و دیگری نه. پرسش‌های پرسش‌نامه طراحی شده تا سطح مداخله افراد در محله، گرایش‌ها به محیط و تمایل به رفتارهای پایدار را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد مداخله در محله بر پایداری خانوار در پورتلند تأثیر می‌گذارد. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد شهر یا ناحیه ممکن است بر پایداری ادراک‌شده خانوار بیش از پایداری محله تأثیر بگذارد.

ارناواتی^۹ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای ابعاد هویت مکانی را برای توسعه پایدار شهری در شهر مالنگ اندونزی بررسی کرده است. در این پژوهش شاخص‌های هویت مکانی در سه بعد رابطه فردی، محیط کالبدی و تعهد خلاصه شده است.

¹- Chow&Healy

²- Payton

³- Lewicka

⁴- Lviv

⁵- Lwo

⁶- Wrocaw

⁷- Breslau,

⁸- Zachary Lawrence Hathaway

⁹- Ernawati

در ایران نیز پژوهش‌های متعددی در زمینه هویت محله‌ای و شهری انجام شده است؛ به طوری که کمیلی (۱۳۸۶) در پژوهشی عناصر هویت بخش شهر بندرعباس را بررسی کرده است. او عناصر هویت بخش این شهر را در ۴ حوزه شامل طبیعت، عناصر اجتماعی و فرهنگی، عناصر فعالیت اقتصادی و کالبدی تقسیم‌بندی کرده است. کیانی و همکاران (۱۳۸۸) به مشکلات و راهکارهای ممکن به منظور حفظ و ایجاد هویت برای شهر فیروزآباد با بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر گور توجه داشته‌اند. نتایج نشان می‌دهد طرح‌های توسعه شهری در فیروزآباد بدون توجه به بافت تاریخی شهر گور اجرا شده است. حیاتی (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود که درباره هویت محله اوین تهران انجام داده است به این نتیجه می‌رسد که هویت اجتماعی و کالبدی و حس مشارکتی مردم محله مطالعه شده کم است؛ همچنین رابطه معناداری بین دو بعد اجتماعی و کالبدی هویت محله وجود دارد و هویت باعث افزایش مشارکت شهروندی می‌شود. وارثی و همکاران (۱۳۸۹) هویت شهری و رابطه آن را با تعلق مکانی در شهر جدید گلپهار بررسی کرده است. بر مبنای نتایج این پژوهش هویت شهری در این شهر نسبتاً کم و رابطه بین تعلق مکانی و هویت شهری در حد متوسط است. قاسمی و نگینی (۱۳۸۹) نیز نقش بافت محلات را بر شکل‌گیری هویت اجتماعی مدنظر قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بافت محلات نقشی تعیین‌کننده در هویت اجتماعی ساکنان دارد. رحمانی و پورجعفر (۱۳۹۵) در مقاله‌ای شاخص‌های مؤثر بر هویت محله مسگرهای شهر زنجان را تحلیل کرده‌اند. در این پژوهش محله مسگرها از نظر بافت اجتماعی، جایگاه محله در شهر، موقعیت در شهر، کیفیت شبکه دسترسی در محدوده مطالعه شده، کیفیت کاربری‌ها در طرح تفصیلی، کیفیت بصری جداره‌های خیابان مسگرها، بررسی عناصر برجسته ادراکی در خیابان مسگرها، بررسی خیابان مسگرها به لحاظ اجتماعی، توده و فضا، عناصر کالبدی با ارزش تاریخی - فرهنگی در محله بررسی و ارزیابی شده است.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- هویت مکان و هویت مکانی

در زندگی همه ما مکان‌هایی وجود دارند که نمی‌توانیم خود را بدون آنها تصور کنیم؛ خانه، محل کار، پاتوق خرید، محل قرارهای دوستانه و...؛ به گونه‌ای که وقتی درباره خود فکر می‌کنیم یا از خود حرف می‌زنیم، خودآگاه یا ناخودآگاه خود را در ارتباط با آنها تصور می‌کنیم یا در بیان خود به آنها ارجاع می‌دهیم. این مکان‌ها برای ما اهمیت دارند. رابطه‌ای معنادار میان خود و آنها قائل هستیم. به نسبتی که با آنها داریم، به توقعات، خواسته‌ها، خاطرات و هر آنچه این نسبت را تعریف می‌کند یا تغییر می‌دهد، اهمیت می‌دهیم. هریک از این مکان‌ها، بخشی از «من» ما را می‌سازند؛ این همان مفهوم هویت مکانی است که برای نخستین بار پروشانسکی (۱۹۷۸) مطرح کرده است (گلرخ، ۱۳۹۱: ۹۸). از نظر پروشانسکی مفهوم هویت مکانی به آن دسته از ابعاد خویش‌نشان اشاره دارد که هویت

فردی اشخاص را در پیوند با محیط فیزیکی‌شان تعریف می‌کند. واژهٔ هویت دو معنی می‌دهد: اول همسانی^۱ و دوم تمایز^۲؛ بنابراین هویت مکانی باید هر دو جنبه را با هم ترکیب کند. در هویت مکانی، مکان وسیله‌ای است که فرد خود را از دیگران (افراد خارج از مکان) متمایز می‌سازد و نیز حس همسانی خود را با افراد داخل مکان حفظ می‌کند (Lewicka, 2008: 211).

رالف^۳ (۱۹۷۶) نیز معتقد است افراد به‌نوعی حس هویت، تعلق به قلمرو یا گروهی خاص نیاز دارند. افراد نیاز دارند حس تعلق به یک نهاد جمعی یا مکان را بیان کنند و هویت فرد ممکن است با تفکیک یا تمایز کالبدی و حس ورود به منطقه‌ای خاص به دست آید (Ujang & Zakariya, 2015: 713).

همچنین کارپلا^۴ (۱۹۸۹) مفهوم هویت مکانی را با فرایند خودتنظیمی محیطی مرتبط می‌داند. از نظر او محیط یک میانجی برای برهم‌کنش اجتماعی و وسیلهٔ خلق و حفظ خویشتن فرد است. از این منظر محیط فیزیکی به خودی خود برای شخص حائز اهمیت است؛ بنابراین مکان علاوه بر منبع ارضا برای اهداف رفتاری و تجربی، ممکن است به‌مثابهٔ بخشی از خویشتن فرد دیده شود که به تعلق هیجانی به مکان‌ها منجر می‌شود (Kaltenborn and et al, 2002: 32).

کرنگ، جغرافی‌دان فرهنگی، دربارهٔ مکان و اهمیت هویت مکانی می‌نویسد: «مکان شامل مجموعه‌ای از ویژگی‌های فرهنگی می‌شود. مکان اطلاعاتی دربارهٔ جایی که در آن زندگی می‌کنیم یا اهل کجا هستیم به ما می‌دهد؛ همچنین دربارهٔ شخصیت و اینکه ما چه کسی هستیم نیز چیزهایی به ما می‌گوید. فضاها وقتی رنگ زمان به خود می‌گیرند که به مکان‌های مختلف تبدیل می‌شوند؛ آنها گذشته و آینده‌ای دارند که مردم را به یکدیگر پیوند می‌دهند. چنین ارتباط زنده‌ای مردم و مکان‌ها را به یکدیگر وابسته می‌کند. این امر مردم را قادر می‌سازد خود را تعریف کنند، در تجارب بیشتری با دیگران سهیم شوند یا خود را با اجتماعات همگون و هم‌شکل سازند. یکی از انگیزه‌های مطالعهٔ این وابستگی‌ها، احساس فراگیر توأم با ترس و هشدار بوده است؛ زیرا اگر وابستگی به مکان‌ها سست شود، هویت مردم و جوامع نیز به سستی می‌گراید» (کرنگ، ۱۳۸۳: ۱۴۵).

از نظر کوین لینچ^۵، هویت یک محل یعنی حدی که شخص یک مکان را به‌مثابهٔ مکان متمایزی از سایر مکان‌ها بشناسد یا بازشناسی کند؛ به‌طوری‌که شخصیتی مشخص، بی‌نظیر یا دست‌کم منحصربه‌فرد پیدا کند. مکان‌های معنادار تکیه‌گاه‌های مناسبی هستند که خاطرات شخصی، احساسات و ارزش‌ها بر آنها تکیه می‌کنند. هویت مکانی پیوند نزدیکی با هویت شخصی می‌یابد. اینکه «من اینجا هستم» حکایت از «من هستم» می‌کند. آشنایی زیاد درست مانند شکلی خاص موجب ایجاد حس مکان می‌شود. هنگامی که شکل و آشنایی با هم ادغام شوند، نتیجهٔ احساسی و روانی آن بسیار قوی خواهد بود: «من شهروند یک شهر معمولی و بی‌اهمیت نیستم» (لینچ، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

¹ - sameness

² - distinctiveness

³ - Relf

⁴ - Karpela

⁵ - Kevin Lynch

از نظر قاسمی اصفهانی (۱۳۸۳) هویت جزو ویژگی‌های یک پدیده نیست؛ بلکه حاصل توافق میان فرد و پدیده ارزیابی شده است. بر این مبنا هویت مفهومی نسبی است که یک سر آن به انسان برمی‌گردد و سر دیگرش در محیط تعریف می‌شود. او شرایط هویت‌مندی یک محله را به این ترتیب برمی‌شمرد: ۱- تعلق مکانی ساکنان محله به محیط زندگی‌شان؛ ۲- خاطره‌ای که در ذهن ساکنان از محله بر جای مانده است؛ ۳- خاطرات جمعی که در حافظه جمعی ساکنان از محله بر جای مانده است و ۴- حس تعلق خاطر افراد به محله خودشان (وحیدا و نگینی، ۱۳۹۱: ۴۲).

۲-۲- نظریه‌های مرتبط با هویت و مکان

سه نظریه مهم هویت که به نحوی با مکان یا هویت مکانی ارتباط دارند، عبارت‌اند از: نظریه هویت-مکان، نظریه هویت اجتماعی و نظریه فرایند هویت که در زیر بررسی می‌شوند:

الف- نظریه هویت مکانی

جنبه‌هایی از هویت که با مکان پیوند خورده است با عنوان هویت-مکان خوانده می‌شود. این اصطلاح را از دهه ۱۹۷۰ پروشانسکی به کار برد و در اصل هم با یک خط تیره بین دو واژه هویت-مکان آمده است. از نظر وی هویت-مکان به معنای تعریف فرد از مکان در درون مفهوم بزرگ‌تر «خویشتن» در نظر گرفته و به منزله گنجینه خاطرات، مفاهیم، تفاسیر، ایده‌ها و احساسات مرتبط با شرایط خاص فیزیکی همانند انواع شرایط دیگر تعریف شده است. تعلق مکانی بخشی از هویت-مکان توصیف شده است؛ به طوری که فراتر از مفهوم تعلق مکانی نوعی ساختار هویت-خویشتن مثل جنسیت و طبقه اجتماعی و دربرگیرنده ادراکات و شناخت‌های مرتبط با محیط است. این ادراکات و مفاهیم در دو نوع خوشه سازماندهی شده است: یکی شامل خاطرات، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و موقعیت‌ها و دوم شامل رابطه بین موقعیت‌های مختلف (مکان، مدرسه و محله). همان‌گونه که کودک یاد می‌گیرد خودش را از افراد پیرامون خویش متفاوت سازد، هویت وی ساخته می‌شود و به همین ترتیب زمانی که یک کودک خود را از محیطی فیزیکی متمایز می‌سازد و به محیط فیزیکی دیگر مرتبط می‌داند، هویت مکانی وی شکل می‌گیرد. در میان عوامل تعیین‌کننده، عناصری هست که در تجربه کودک با اسباب‌بازی‌ها، لباس‌ها و اتاق‌ها ریشه دارد و اتاق محیطی است در اولویت و به دنبال آن محله و مدرسه مطرح می‌شود. در اینجا مهارت‌های اجتماعی و محیطی و روابط آموخته می‌شوند و لنزهایی شکل می‌گیرند که کودک با آنها مکان‌ها را شناسایی، ارزیابی و خلق خواهد کرد (Proshansky & Fabian, 1987; cited by Lappegard, 2008: 5).

ب- نظریه هویت اجتماعی

تاجفل^۱ (۱۹۷۸) از پیشگامان نظریه «هویت اجتماعی» است که هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر می‌داند؛ عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به گروهی خاص

^۱ - Tajfel

تعلق دارد)، عنصر ارزشی (فرض‌هایی درباره پیمادهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی) و عنصر احساسی (احساسات به گروه و افراد دیگری که رابطه خاصی با آن گروه دارند)؛ بر این اساس هویت اجتماعی از نظر تاجفل عبارت است از آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد، همراه با اهمیت احساسی منتظم به آن عضویت (گل‌محمدی، ۱۳۹۲ به نقل از شیانی و احمدپور، ۱۳۹۶: ۲۶۱).

هوغ و ابرامز^۱ (۱۹۹۵) و تاجفل (۱۹۸۲) هویت اجتماعی را آگاهی فرد از تعلق به گروه‌های اجتماعی خاص و همچنین احساسات و ارزش‌هایی می‌دانند که به او منتقل می‌شود. اصطلاح «خودپنداره» معمولاً زمانی استفاده می‌شود که درصدد پاسخ به پرسش «من چه کسی هستم؟» هستیم. «خودپنداره‌ها» هم اظهارنظرهایی درباره این موضوع ارائه می‌دهند که چه چیزی ما را به دیگران شبیه و چه چیزی ما را متمایز می‌سازد. افراد، ادراکی از خودشان و دیگران از راه طبقه‌های اجتماعی انتزاعی ایجاد می‌کنند و این ادراکات قسمتی از خودانگاره‌های افراد می‌شود. انسان‌ها خودشان را با مؤلفه‌هایی تعریف می‌کنند که بیان‌کننده تعلق فرد به گروهی خاص است. هویت اجتماعی توصیف‌کننده مفهومی است که رفتارهای درون گروهی معین را در زمینه تفاوت‌های وضعیت گروهی درک شده پیش‌بینی می‌کند. این تفاوت هنگامی است که عبارت «نظریه هویت اجتماعی» برای اشاره به نظریه‌پردازی درباره خودهای اجتماعی انسانی به کار برده می‌شود (Qazimi, 2014: 307-308).

به اعتقاد ترنر^۳ (۱۹۸۲) نخستین پرسش تعیین‌کننده تعلق به گروه این نیست که «آیا من دیگر اعضای گروه را دوست دارم؟»، بلکه این است که «من چه کسی هستم؟». در این الگو، جذابیت و وابستگی متقابل اعضای گروه نسبت به هم از شرایط لازم برای شکل‌گیری گروه محسوب نمی‌شود. در مقابل نظریه هویت اجتماعی، کانون توجه را بر مفهوم مقوله‌بندی^۴ قرار می‌دهد. براساس این نظریه در تعیین شکل‌گیری گروه، مقوله‌بندی به مراتب مهم‌تر از تشابه و مشابهت است؛ به بیان ساده‌تر نکته مهم این است که چگونه اعضای گروه خود را تعریف می‌کنند، نه اینکه چه احساسی نسبت به یکدیگر دارند؛ بنابراین براساس نظریه هویت اجتماعی شرط لازم برای شکل‌گیری گروه، آگاهی از تعلق به مقوله‌ای مشترک است. ترنر در تعریف گروه اجتماعی در چهارچوب این نظریه می‌نویسد: «دو یا چند نفر که خود را اعضای مقوله اجتماعی مشترکی می‌دانند و هویت اجتماعی مشابهی دارند». منظور از هویت اجتماعی مشابه در این نظریه، درک و احساس از عضویت در مقوله‌ای مشترک است که افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ مانند ملیت، شغل، دین، جنسیت و...؛ برپایه این رهیافت، افراد هویت خود را از مقولات اجتماعی متعددی کسب می‌کنند که به آنها تعلق دارد (شارع‌پور، ۱۳۷۷: ۷۵-۷۴).

در زمینه روان‌شناسی اجتماعی، نظریه‌هایی درباره هویت ساخته، آزمون و اصلاح شده‌اند؛ اما عنصر محیط فیزیکی عمدتاً مغفول مانده است؛ با این حال توگیر-رس و دیگران^۵ (۲۰۰۳) دریافته‌اند نظریه «هویت اجتماعی»

¹ - Hogg and Abramas

² - Self concept

³ Turner

⁴ categorization

⁵ Twigger-Ross et al. (2003),

به‌سادگی قابل انتقال است و می‌توان به گونه‌ای آن را توسعه داد که جنبه‌هایی از مکان را شامل شود. یک مکان ممکن است به یک گروه خاص، شیوه زندگی و پایگاه اجتماعی خاص مرتبط باشد (Lappegard, 2008: 6).

ب- نظریه فرایند هویت^۱

بریک‌ول^۲ (۱۹۸۳ و ۱۹۸۶) نظریه فرایند هویت را فرمول‌بندی کرد که برای پژوهش‌های مرتبط با هویت مکانی مفید است. هویت در این دیدگاه، محصولی پویا و اجتماعی از تعامل ظرفیت حافظه، آگاهی و ساختار سازمانی در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین هویت هم به‌منزله ساختار و فرایند تعریف می‌شود. ساختار هویت با تفکر، عمل و عاطفه شکل می‌گیرد. این مدل هیچ تفاوتی بین هویت فردی و اجتماعی قائل نیست؛ بلکه بین بعد محتوایی و ارزشی تفاوت می‌گذارد. بعد محتوایی شامل هویت فردی و اجتماعی و بعد ارزشی شامل ارزش مثبت و منفی این طبقه‌بندی‌ها می‌شود. سازمان، بعد محتوایی سلسله‌مراتبی است، اما نه ایستا. سازمان عناصر بر مبنای ورودی‌ها و تقاضا از محتوای اجتماعی تغییر می‌کند. ساختار هویت همچنین با فرایندهای تطابق^۳ - جذب^۳ مؤلفه‌های جدید و تنظیم ساختار هویت موجود تنظیم می‌شود. شکل‌گیری هویت با اصول مختلف براساس فرهنگ و در درون فرهنگ هدایت می‌شود. این اصول در طول زمان و موقعیت‌های مختلف تغییر می‌کند. در فرهنگ‌های صنعتی غربی بریک‌ول این اصول را شامل تداوم، تمایز، خودکارایی و عزت نفس^۴ می‌داند.

کورپلا^۵ (۱۹۸۹) معتقد است در بسیاری از پژوهش‌های مرتبط با هویت و مکان اصول ضمنی متناسب با نظریه بریک‌ول وجود دارد. این اصول به‌خوبی در روان‌شناسی اجتماعی و شناختی مستند شده است.

بریک‌ول (۱۹۸۳ و ۱۹۸۶) معتقد است مکان‌ها، منابع مهم هویت‌اند؛ بدین معنا که جنبه‌هایی از هویت از مکان‌ها سرچشمه می‌گیرد و مکان‌ها، نمادهایی‌اند که برای ما معنا و مفهوم دارند. مکان‌ها خاطرات شخصی را نشان می‌دهند و چون در ماتریس تاریخی - اجتماعی روابط بین گروهی قرار می‌گیرند، خاطرات اجتماعی (خاطرات سهیم‌شده) را نشان می‌دهند. مکان‌ها معانی پایدار و ابدی ندارند؛ در معنای آنها به‌طور مداوم تجدید نظر می‌شود و سهم آنها در هویت هرگز یکسان نیست.

بریک‌ول (۱۹۹۶) همچنین بیان می‌کند بودن در مکان‌های جدید و متفاوت بر هویت به سبب تضعیف/ تمرکز، تهدید و جابه‌جایی تأثیر می‌گذارد. وی تأکید می‌کند مکان‌ها تودرتو هستند (از اتاق تا کشور). این تودرتو بودن به‌منزله محصول معنای شخصی و اجتماعی تعریف می‌شود، نه ضرورتاً محصول سلسله‌مراتب جغرافیایی (Lappegard, 2008: 6).

از سه نظریه بالا، نظریه هویت - مکان به‌طور کامل با مفهوم هویت مکانی مرتبط است. نظریه هویت اجتماعی نیز ممکن است جنبه مکانی بیابد؛ برای نمونه وقتی گفته می‌شود هویت محله‌ای هم هویت مکانی (تعریف خویشتن با قلمرویی مکانی) مدنظر قرار می‌گیرد و هم هویت اجتماعی (تعریف خویشتن با عضویت در اجتماعی خاص و

¹ Identity Process Theory

² Breakwell

³ - accommodation-assimilation

⁴ - continuity, distinctiveness, self-efficacy and self-esteem

⁵ - Korpela

تمایز خود از اجتماعات دیگر). در نظریه سوم (فرایند هویت) که بریک‌ول مطرح کرده نیز به روشنی درباره ارتباط انسان و مکان بحث شده است.

۲-۳- سنجش هویت مکانی

همانطور که بیان شد بریک‌ول (۱۹۹۲، ۱۹۹۳ و ۲۰۱۵) مدل فرایند هویت را توسعه بخشیده است. این مدل نشان می‌دهد محیط نقش تعیین‌کننده‌ای در دینامیک هویت دارد. مدل بریک‌ول از ۴ اصل هویت تشکیل شده است: الف- عزت نفس^۱: عزت نفس، اعتماد به نفسی با ارزیابی گروه شناخته می‌شود. چندین مطالعه نشان می‌دهد ارزیابی شخصی از محیط محلی و ارزیابی مثبت از یک محیط با افراد محلی حس افتخار ایجاد و از این راه به عزت نفس کمک می‌کند.

دواین- رایت لیونس^۲ (۱۹۹۷) و لالی^۳ (۱۹۹۲) اهمیت زندگی یا سکونت در مکان‌های تاریخی را در شکل‌گیری عزت نفس نشان داده‌اند.

ب- خودکارآمدی^۴: این اصل در مدل بریک‌ول، توانایی فرد برای کنش مناسب در محیط فیزیکی و موقعیت اجتماعی ویژه مرتبط با نیاز انسانی برای کنترل محیط تعریف می‌شود.

پ- تمایز^۵: تمایز به ادراک یگانگی مکان در مقایسه با سایر مکان‌ها اشاره دارد. این تمایز باعث می‌شود فرد ارتباطی فضایی بین خود و محیط مسکونی‌اش به وجود آورد که به‌طور مشخصی از هر نوع رابطه دیگری متفاوت باشد (Ernawati, 2018: 274).

ت- اصل تداوم^۶: بیان‌کننده پیوند یافتن با گذشته است.

اصول هویت بریک‌ول با دیدگاه لالی (۱۹۹۲) تا حدودی در یک راستاست. لالی (۱۹۹۲) به پنج بعد هویت مکان در عرصه شهری به شرح زیر اشاره می‌کند:

۱- ارزیابی خارجی^۷

این اصل بیان‌کننده مقایسه ارزش‌گذارانه بین شهر خود و دیگر شهرها (مکان خود و دیگر مکان‌ها) و ویژگی فضایی و منحصر به فرد بودن مکان است (Lalli, 1992: 294). این ویژگی به اصل تمایز که بریک‌ول تشریح کرده، بسیار نزدیک است.

¹- self esteem

²- Devine-Wright & Lyons (1997)

³- Lalli (1992)

⁴- self-efficacy

⁵- distinctiveness

⁶- CONTINUITY

⁷- external evolution

۲- تداوم^۱

بعد تداوم، بیان‌کننده اهمیت محیط شهری برای حس تداوم زمانی است. این فرضیه ارتباط بین بیوگرافی شخصی و شهر و نیز نمادسازی و تجارب شخصی را نشان می‌دهد (Lalli, 1992: 294). این جنبه با اصل تداوم بریک‌ول نیز در یک راستاست.

۳- تعلق کلی^۲

مفهوم تعلق به نوعی حس تعلق یا ریشه‌داشتن را بیان می‌کند و بازتاب‌دهنده حسی است که براساس آن فرد، شهر و محیط شهری را همچون خانه خود می‌پندارد (Lalli, 1992: 294). افراد با فرایندهایی که رفتار، تجارب عاطفی و شناختی آنها را در محیط اجتماعی و فیزیکی بازتاب می‌دهد، با آن محیط پیوند می‌خورند. این تعلق مکانی در طول زمان از راه پیوندهای رفتاری، عاطفی و شناختی بین یک فرد یا گروه با محیط اجتماعی و فیزیکی خود رشد می‌کند (Ernawati, 2018: 274).

۴- آشنایی^۳

این بعد که بر اثر تجارب روزانه و کنش‌های رخ داده در محیط شهری شکل می‌گیرد، بیان‌کننده گرایش شناختی موفق فرد است (Lalli, 1992: 294-295). افراد به مکان‌هایی که بیشترین تجربه حضور در آنها را دارند، بیشتر تعلق خاطر می‌یابند (Ujang & Zakariya, 2015: 714).

۵- تعهد^۴

بیان‌کننده اهمیت مکان برای آینده فرد و تعهد برای ماندن در آن است. تعهدات شخصی اهمیتی قانونی برای پایداری «خودانگاره» دارد که در نظریه‌های هویت مطرح می‌شود (Lalli, 1992: 294-295).

۲-۴- عوامل مؤثر بر هویت مکانی

انسان در فرایند هویت‌پذیری خود ریشه خود را در مکان ویژه‌ای جست‌وجو و به مکانی تعلق پیدا می‌کند که نیازهای اساسی و امنیت او را تأمین کند (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۵۴)؛ بنابراین تأمین نیازهای اساسی فرد در محل سکونت و نیز تأمین امنیت، یکی از عواملی است که به تعلق و هویت مکانی منجر می‌شود. البته رابطه بین امنیت و هویت رابطه‌ای یک‌سویه نیست؛ یعنی هم وجود امنیت در مکان باعث تقویت حس مکانی فرد می‌شود (Brown et al, 2003: 2004; Dallago et al, 2009: 148-160) و هم وجود تعلق و هویت مکانی در ایجاد امنیت مؤثر است (Livingston et al, 2008: 1).

¹- CONTINUITY

²- General attachment

³- familiarity

⁴- commitment

داشتن مسکن (مالکیت) نیز در ایجاد حس تعلق مکانی و هویت نقش دارد؛ افرادی که در محیط زندگی خودشان سرمایه‌گذاری کرده‌اند، حس تعلق و هویت بیشتری دارند (Ganji Jameh Shouran et al, 2016: 16)؛ زیرا انسان موجودی است دارای قلمرو؛ به این مفهوم که از فضا برای برقراری ارتباط شخصی و احقاق حق بر قلمرو و همچنین حفظ منابع استفاده می‌کند. مردم این نظارت‌ها را بر قطعات زمین و همین‌طور بر داشته‌هایی اعمال می‌کنند که همراه شخص است (لینچ، ۱۳۹۴: ۲۰).

تعلق مکانی از مدت اقامت نیز متأثر است. تولد یافتن یا اقامت در مکان، روابط و هویت مشترک را ممکن می‌سازد (قلی‌پور و کاظمی، ۱۳۹۴: ۸۰) و مدت اقامت بیشتر، تعلق مکانی بیشتر را به همراه دارد؛ زیرا اقامت طولانی‌تر در یک مکان، احساس تعلق را با توسعه‌انس و آشنایی و حس پیش‌بینی‌پذیر بودن رخدادهای افزایش می‌دهد؛ همچنین مدت اقامت بیشتر به ایجاد شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی در یک ناحیه یا محدوده کمک می‌کند (Bailey et al, 2012: 211- 212).

روابط و تعاملات اجتماعی متغیر بسیار مهم دیگری است که بر هویت اجتماعی و مکانی افراد تأثیر می‌گذارد؛ به بیان دیگر اساس دوام و بقای جامعه‌ای انسانی، کنش‌های ارتباطی آن جامعه است که هم به فرایند معناسازی و هم به فرایند هویت‌سازی منجر می‌شود. هویت در ارتباط با افراد دیگر بررسی می‌شود و بدون توجه به زندگی اجتماعی و روابط میان انسان‌ها معنایی نخواهد داشت؛ به بیان دیگر هویت محصول ارتباط و تعامل است؛ یعنی دیگری باید وجود داشته باشد تا «من» ساخته و درک شود. «خود» با فهم و ارتباط با دیگری و در فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد (شیانی و احمدپور، ۱۳۹۶: ۲۵۷)؛ از آنجا که روابط اجتماعی در خلأ صورت نمی‌گیرد و در قلمرو مکانی رخ می‌دهد، در حس هویت مکانی افراد نقش چشمگیری دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

۳-۱- روش پژوهش

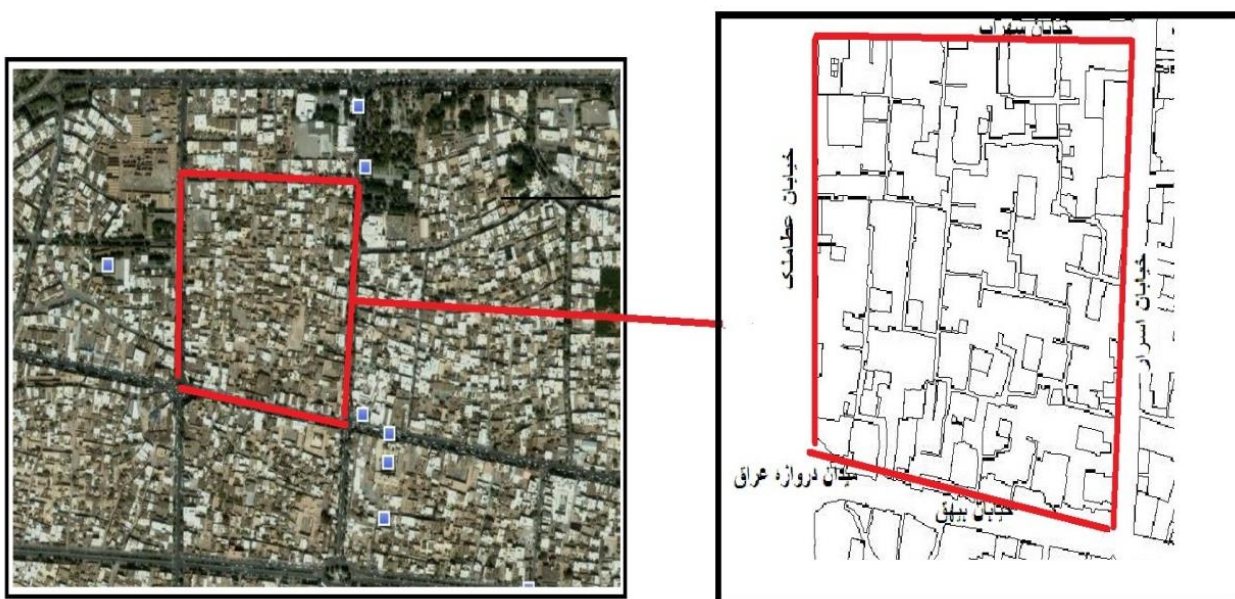
رویکرد کلی پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است. برای تدوین بخش مبانی نظری از پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره موضوع مدنظر استفاده و برای گردآوری داده‌های مربوط به بخش مطالعه میدانی پرسش‌نامه طراحی شده است. محدوده جغرافیایی پژوهش، محله کلاه‌فرنگی سبزووار و جامعه آماری، جمعیت ساکن در این محلات است که حدود ۲۶۰۰ نفر را شامل می‌شود و حجم نمونه حدود ۱۰۰ نفر است. روش نمونه‌گیری نیز تصادفی ساده انتخاب شده است. متغیر وابسته در این پژوهش هویت مکانی و متغیر مستقل شامل مدت اقامت، دسترسی به خدمات، مالکیت مسکن، احساس امنیت و تعاملات اجتماعی است.

هویت مکانی ساکنان با استفاده از گویه‌های طرح‌شده در قالب پرسش‌نامه بررسی شد. این گویه‌ها مبتنی بر مقیاس ۵ طیفی لیکرت (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) طراحی شده‌اند. آزمون آماری استفاده‌شده در این پژوهش، T تک‌نمونه‌ای و همبستگی پیرسون است.

۳-۲- محدوده پژوهش

محله کلاه‌فرنگی، یکی از محلات قدیمی سبزوار، از شمال با خیابان سهراب، از جنوب با خیابان بیهق، از شرق با خیابان اسرار و از غرب با خیابان عطاء‌ملک محدود شده است. در این محله قدیمی ساخت‌وساز و نوسازی انجام و هر دو سبک معماری سنتی و جدید دیده می‌شود. از جمله مشکلات این محله، فرسودگی بخش چشمگیری از بناهای قدیمی است که نیاز به نوسازی یا بهسازی دارند.

در گذشته قسمت شرقی این محله جزو محله ارگ محسوب می‌شده و بقیه به محله کلاه‌فرنگی معروف بوده است؛ اما احداث خیابان اسرار در شرق در گذشته باعث شده است محله ارگ دو قسمت شود و قسمتی از آن در درون این محدوده قرار گیرد. مرزبندی محلات با ایجاد خیابان‌ها در گذشته تغییراتی داشته، و گرنه اصل محله کلاه‌فرنگی محدوده‌ای کوچک‌تر از این محدوده مشخص شده بوده است؛ ولی چون اکنون یک محدوده کالبدی واحد را تشکیل می‌دهند، در این پژوهش با کمی چشم‌پوشی، کل محدوده محله کلاه‌فرنگی در نظر گرفته شده است. از بین اسامی قدیمی این محدوده نام «کلاه‌فرنگی» نیز بیشتر بین مردم رایج است.



شکل ۱- موقعیت محله کلاه‌فرنگی سبزوار

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- شاخص‌های هویت مکانی در محله کلاه‌فرنگی سبزوار

۴-۱-۱- ارزیابی بیرونی:

براساس پاسخ ساکنان محله کلاه‌فرنگی، میانگین شاخص ارزیابی بیرونی یعنی ۳,۱۹ و سطح معناداری کمتر از آلفای ۰,۰۵، بیشتر از سطح متوسط است؛ بدین معنا که بیشتر افراد تفاوت و تمایز زیادی بین محله خود و محلات دیگر قائل‌اند.

این شاخص اهمیت خاصی در هویت فردی و جمعی دارد؛ زیرا به‌نوعی محدوده و قلمرو فضایی و مکانی ویژه‌ای برای فرد تعریف می‌کند؛ به‌طوری‌که افراد حاضر در آن خود را از دیگران متمایز می‌سازند و بین خود و دیگر ساکنان به‌واسطه سکونت در یک قلمرو مشترک احساس مشابهت می‌کنند.

۴-۱-۲- آشنایی:

بعد آشنایی که بیان‌کننده میزان آشنایی فرد با مکان و اهمیت آن برای فرد است، براساس پاسخ ساکنان با میانگین ۴,۶۶ و سطح معناداری کمتر از آلفای ۰,۰۵، بیشتر از حد متوسط است.

۴-۱-۳- تداوم با گذشته:

نتایج تحلیل پرسش‌نامه نشان می‌دهد شاخص تداوم با گذشته میانگینی حدود ۲,۵۹ دارد و با توجه به سطح معناداری کمتر از آلفای ۰,۰۵، این شاخص به‌طور معناداری کمتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود. براساس پاسخ افراد در این محله عناصر کالبدی کمی وجود دارد که پیونددهنده ساکنان با گذشته و تداعی‌کننده خاطرات باشد. این موضوع ممکن است به دلیل نوسازی‌هایی باشد که در بافت این محله قدیمی رخ داده و به‌دنبال آن بسیاری از عناصر سنتی محله از بین رفته است.

۴-۱-۴- تعهد:

تعهد به ماندن در یک مکان، یکی دیگر از شاخص‌های هویت مکانی است. براساس نتایج پژوهش، بیشتر ساکنان تمایل زیادی به ماندن در این محله دارند و محله در زندگی آنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این نکته را میانگین ۳,۳۷ نشان می‌دهد که بیش از حد متوسط است.

۴-۱-۵- تعلق کلی:

براساس پاسخ ساکنان، شاخص تعلق به مکان با میانگین ۴,۱۱ و سطح معناداری کمتر از آلفای ۰,۰۵، بیش از حد متوسط است. بدین معنا که بیشتر ساکنان خود را عضوی از این محله می‌دانند و حس مثبتی به این محله دارند.

۴-۲- هویت مکانی

هویت مکانی حاصل ادغام ۵ مؤلفه ارزیابی بیرونی، آشنایی، تداوم گذشته، تعهد و تعلق به مکان است. بر مبنای نتایج این پژوهش، حس هویت مکانی در ساکنان میانگین ۳,۵۴ را نشان می‌دهد و از آنجا که سطح معناداری نیز کمتر از آلفای ۰,۰۵ است، پس هویت مکانی ساکنان محله کلاه‌فرنگی سبزوار را باید بیش از حد متوسط دانست؛ بنابراین محله یادشده، محله‌ای با هویت و مکانی واقعی محسوب می‌شود؛ زیرا فضایی که در ساکنان خود حس تعلق و هویت ایجاد نکند، مکانی واقعی قلمداد نمی‌شود.

جدول ۱- میانگین و وضعیت شاخص‌های هویت مکانی در محله کلاه‌فرنگی سبزوار

وضعیت شاخص	SIG	میانگین
بالا	.000	۲۳.
بالا	.000	۴.۴۶
پایین	.000	۲,۵۹
بالا	.007	۷۳.۳
بالا	.000	۴.۱۱
بالا	.000	۳.۵۴

۴-۳- رابطه بین مدت اقامت و هویت مکانی

براساس آزمون همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی بین دو متغیر مدت اقامت و هویت مکانی حدود ۰,۵۲۴ است و در سطح معناداری کمتر از آلفای ۰,۰۵ قرار دارد. این یعنی افرادی که مدت اقامت بیشتری در محله دارند به سبب حضور، تجربه و ارتباط طولانی مدت تر با مکان، بیشتر احساس هویت می‌کنند.

جدول ۲- رابطه بین مدت اقامت و هویت مکانی ساکنان

مدت اقامت (متغیر مستقل)	Pearson Correlation	.524**
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	101

۴-۴- رابطه بین تعاملات اجتماعی و هویت مکانی

ضریب همبستگی بین دو متغیر تعاملات اجتماعی و هویت مکانی ۰,۴۸۵ است که همبستگی مثبت معنادار را بین این دو متغیر نشان می‌دهد. بر این اساس تقویت تعاملات اجتماعی به تقویت هویت مکانی ساکنان کمک می‌کند. در واقع تعاملات اجتماعی باعث پیوند فرد با ساکنان قلمرویی مکانی می‌شود و این پیوند به او کمک می‌کند خود را عضوی از آن اجتماع بداند و هویت جمعی و فردی او در مکان شکل گیرد.

جدول ۳- رابطه بین تعاملات اجتماعی و هویت مکانی ساکنان

تعاملات اجتماعی (متغیر مستقل)	Pearson Correlation	.485**
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	101

۴-۵- رابطه بین دسترسی به خدمات و هویت مکانی

براساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی بین دو متغیر دسترسی به خدمات و هویت مکانی ۰,۱۳۳ است؛ ولی با توجه به سطح معناداری بیش از آلفای ۰,۰۵، این رابطه، رابطه‌ای معنادار نیست؛ بنابراین دسترسی به خدمات در این محله نقشی در هویت مکانی ساکنانش نداشته است.

جدول ۴- همبستگی بین دسترسی به خدمات و هویت مکانی

دسترسی به خدمات	Pearson Correlation	.133
	Sig. (2-tailed)	.183
	N	101

۴-۶- رابطه بین احساس امنیت و هویت مکانی

ضریب همبستگی ۰,۲۳۱ و سطح معناداری کمتر از آلفای ۰,۰۵، رابطه معنادار و مثبت ناقص بین احساس امنیت و هویت مکانی را در محله کلاه‌فرنگی نشان می‌دهد؛ یعنی با افزایش احساس امنیت، هویت مکانی ساکنان نیز تقویت می‌شود. البته هویت مکانی نیز عاملی مؤثر در تقویت حس امنیت تلقی می‌شود و رابطه بین این دو رابطه‌ای دوسویه است، نه یک‌طرفه.

جدول ۵- همبستگی بین احساس امنیت و هویت مکانی

.231*	Pearson Correlation
	Sig. (2-tailed)
	N

۴-۷- رابطه بین مالکیت و هویت مکانی

بر اساس ضریب همبستگی لامبدا، رابطه معناداری بین نوع مالکیت مسکن (استیجاری، مالک، خانه پدری) با هویت مکانی وجود دارد؛ بنابراین مالکیت مسکن در هویت مکانی ساکنان تأثیر دارد. از آنجا که متغیر مستقل یعنی نوع مالکیت یک متغیر اسمی است، ضریب همبستگی و حتی استفاده از روش‌هایی مانند تحلیل واریانس یک‌طرفه به‌تنهایی مشخص نمی‌کند که به تناسب نوع مالکیت وضعیت هویت مکانی چگونه است؛ بنابراین از روش جدول توافقی که توزیع پاسخ‌ها را نشان می‌دهد، برای تکمیل بحث استفاده می‌شود. بر اساس جدول ۷، مستأجران هویت مکانی کمتری نسبت به مالکان و کسانی دارند که در خانه پدری به سر می‌برند؛ علت این امر تحرک سکونتی بیشتر آنان است که پیرو آن مدت اقامت کمتری را در محله تجربه می‌کنند؛ در حالی که داشتن سرمایه غیرمنقولی چون مسکن به دلیل ایجاد ثبات سکونتی، تعلق و هویت مکانی بیشتری را در فرد به وجود می‌آورد.

جدول ۶- رابطه بین نوع مالکیت و هویت مکانی

Directional Measures					
Approx. Sig.	Approx. T ^b	Asymp. Std. Error ^a	Value		
.000	6.913	.035	.281	Symmetric	Lambda
.000	7.657	.063	.696	مالکیت (متغیر مستقل)	
.153	1.428	.029	.041	متغیر وابسته (هویت مکانی)	Nominal by Nominal

جدول ۷- وضعیت هویت مکانی براساس نوع مالکیت ساکنان

میزان هویت مکانی					مالکیت	
جمع فراوانی (درصد)	زیاد	متوسط	کم	میانگین هویت مکانی		
۱۰۰	۹۵,۶	۴,۴۴	۰	۳,۸۳	مالک	وضعیت مالکیت
۱۰۰	۹۴,۱۱	۵,۸۸	۰	۳,۶۶	خانه پدری	
۱۰۰	۳۸,۴۶	۳۰,۷۶	۳۰,۷۶	۳,۱۸	مستأجر	

۵- نتیجه‌گیری

مکان‌ها برآورنده نیازهای عینی انسان مثل سکونت، کار، حمل و نقل و... هستند؛ همچنین فرد را در شناخت هویتش یاری می‌رسانند. در واقع بین هویت فرد و مکان نوعی رابطه وجود دارد که در قالب مفهوم هویت مکانی از آن بحث می‌شود. هویت مکانی بخشی از هویت هر انسان است که در ارتباط با محل و مکانی خاص شکل می‌گیرد. مکان‌ها، منبع مهم معنا و هویت برای فرد هستند؛ اما متأسفانه با گسترش فرایندهایی چون جهانی‌شدن، مکان‌های شهری بیش از پیش به هم شبیه شده‌اند و در پی آن، حس مکان و هویت مکانی رو به زوال می‌رود. در این میان هنوز ممکن است بعضی محلات قدیمی مانند گذشته که هویت‌بخش ساکنان خویش بوده‌اند، اکنون نیز همچون قرارگاهی مکانی، انسان شهرنشین کنونی را در شناخت «خویشتن» خویش یاری رسانند.

با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش بر آن بود با بهره‌گیری از شاخص‌های هویت مکانی لالی (۱۹۹۲) وضعیت هویت مکانی را در محله قدیمی کلاه‌فرنگی سبزوار ارزیابی و بعضی عوامل مؤثر بر هویت مکانی ساکنان را تحلیل کند. ابعاد هویت مکانی در این پژوهش عبارت‌اند از: ارزیابی خارجی، آشنایی، تعلق، تعهد و تداوم با گذشته.

یافته‌های این پژوهش میدانی نشان می‌دهد میانگین شاخص «ارزیابی خارجی» در سطح بالایی قرار دارد؛ این بدان معناست که بیشتر سکنه محله کلاه‌فرنگی، محل زندگی خود را نسبت به سایر محلات منحصربه‌فرد و متمایز می‌پندارند. از نظر شاخص «تعلق به مکان» بیشتر ساکنان تعلق زیادی به محل سکونت خویش دارند؛ به طوری که با دوری از آن احساس دلتنگی می‌کنند.

در بعد «تعهد» نیز نوعی میل به ادامه سکونت و زندگی در بین ساکنان محله دیده می‌شود. همچنین شاخص «آشنایی با مکان» که حاصل تجربه فرد در مکان و شناخت وی از عناصر، شرایط و ویژگی‌های محله است، در وضعیت مناسبی قرار دارد؛ اما از نظر ساکنان شاخص «تداوم با گذشته» در این محله کمتر دیده می‌شود؛ یعنی عناصر کمی وجود دارد که یادآور خاطرات، یادها و رویدادهای گذشته در این مکان باشد؛ با این حال در مجموع حس هویت مکانی ساکنان محله زیاد است و این نشان می‌دهد این محله در ایجاد حس هویت در ساکنان خود موفق عمل کرده است.

بخش دیگر یافته‌ها ناظر بر تأثیر بعضی متغیرها بر هویت مکانی است. یکی از متغیرهای مستقل بررسی شده در این پژوهش، تعاملات اجتماعی است. براساس نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون، رابطه مثبت و معناداری

بین تعاملات اجتماعی و هویت مکانی ساکنان محله کلاه‌فرنگی وجود دارد و این نشان می‌دهد پیوند افراد ساکن در یک قلمرو مکانی خاص در شناخت آنان از خویشتن خود نقش مهمی دارد.

تعاملات اجتماعی، یکی از درون‌مایه‌های مهم هر مکان است که اهمیتی وافر در هویت مکانی دارد. در واقع وقتی فردی از اصطلاح «بچه‌محل» استفاده می‌کند، گذشته از سکونت در یک واحد کالبدی خاص، بیان‌کننده پیوندها و تعاملات اجتماعی افراد است؛ از این رو بخشی از محتوای مکان که در تعریف فرد از خود در تصویر ذهنی وی می‌گنجد، مجموعه روابط وی با دیگر ساکنان مکان است؛ از همین روست که هویت مکانی و اجتماعی مفاهیمی به هم گره خورده‌اند.

یافته دیگر مقاله بیان‌کننده تأثیرپذیری هویت مکانی از مدت اقامت افراد است. مدت اقامت بیشتر که با تجربه بیشتر ساکنان در مکان و شناخت ریشه‌دارتر آنان از ساکنان و محیط محله همراه است، در هویت‌یابی مکانی آنان نقش بسزایی دارد.

دیگر عامل تأثیرگذار بر هویت مکانی، متغیر مالکیت مسکن است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد افرادی که در محله مطالعه‌شده مالک مسکن‌اند، بیشترین هویت مکانی را دارند. در درجه بعدی کسانی که در خانه پدری خود سکونت دارند و در نهایت مستأجرها کمترین میزان هویت مکانی را نشان داده‌اند. علت ضعیف‌بودن هویت مکانی مستأجران نسبت به مالکان این است که آنها برخلاف مالکان تحرک سکونتی دارند و این تحرک و جابه‌جایی آنها که معمولاً سالیانه است، مجال شناخت مکان، ساکنان محله و روابط اجتماعی را کمتر می‌دهد که همه اینها به هویت مکانی ضعیف‌تر منجر می‌شود.

در نهایت نیز براساس یافته‌ها، همبستگی مثبتی بین حس امنیت و هویت مکانی ساکنان محله مدنظر وجود دارد. این امر بیان‌کننده آن است که یک مکان تا زمانی که حس امنیت را برای سکنه خود تأمین نکند، احساس تعلق و هویت در آنان ایجاد نمی‌کند.

پیشنهادها

حفظ و تقویت ارزش‌های مکانی و عناصر معنابخش به محلات قدیمی و ریشه‌داری چون محله کلاه‌فرنگی سبزواری نقش مهمی در هویت مکانی ساکنان خواهد داشت؛ زیرا اینگونه محلات بخشی از پیشینه شهر را نشان می‌دهند و بدین سبب مدیران و برنامه‌ریزان شهری باید برای تقویت ارزش‌های مکانی، چه کالبدی و چه کارکردی، بکوشند. انجام اقداماتی که پیوستگی، کلیت و وحدت و نیز ارتباط محله را با گذشته دچار اختلال می‌کند، مطمئناً برای هویت محله و پیرو آن هویت مکانی ساکنان آن پیامدهای منفی به همراه خواهد داشت و درمقابل حفظ عناصر هویت‌بخش و شخصیت‌دهنده در کنار تحولی که برای تداوم حیات چنین محلاتی و تأمین نیازهای به‌روز انسانی لازم است، به حفظ هویت و پایداری محله مزبور کمک می‌کند که این امر در نهایت به ایجاد حس هویت مکانی در ساکنان می‌انجامد.

پیشنهادهایی برای تقویت هویت محله کلاه‌فرنگی و هویت مکانی ساکنان آن ارائه می‌شود:

- توسعه فضاهای عمومی در درون محله برای افزایش حضورپذیری و تعامل اجتماعی ساکنان؛

- بهسازی محله و به‌روزرسانی کارآمد خدماتی بدون خدشه به کلیت، وحدت و عناصر هویت‌بخش محله؛
- تهیه شناسنامه و تاریخچه این محله برای آشنایی ساکنان محله با گذشته و پیشینه آن؛
- نظارت بیشتر بر ساخت‌وسازهای موجود در محله برای سازگاری آن با توجه به ظرفیت‌ها و محدودیت‌های کالبدی محله و رعایت انطباق ساختمان‌های جدید با زمینه فضایی آن؛ برای نمونه رعایت تراکم مطلوب، ناماسازی مناسب و منطبق با شرایط این محله قدیمی.

منابع

- ۱- تابان، محسن، پورجعفر، محمدرضا و پورمند، حسنعلی، (۱۳۹۱)، هویت و مکان، رویکردی پدیدارشناسانه، هویت شهر، دوره ۶، شماره ۱۰، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ۹۰-۷۹.
- ۲- جهانی دولت‌آبادی، رحمان، شماعتی، علی، جهانی دولت‌آباد، اسماعیل، (۱۳۹۲)، سنجش میزان هویت محله‌ای با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۳، شماره ۳۱، تهران، ۱۹۱-۲۱۰.
- ۳- حسینی، سید هادی، سلیمانی مقدم، هادی، (۱۳۸۵)، توسعه شهری و تضعیف مفاهیم محله‌ای، نشریه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۳، تهران، ۴۱-۲۸.
- ۴- حیاتی، عقیل، (۱۳۸۹)، ارزیابی مؤلفه‌های هویت‌بخش محلات شهری در محله اوین تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: زیاری، کرامت‌الله، دانشگاه تربیت مدرس، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.
- ۵- خادم مؤخر، الناز، قرایی، فریبا، قاسمی اصفهانی، مروارید، (۱۳۹۶)، شناسایی میزان تأثیر هویت بافت‌های محلات بر رضایت ساکنان از محیط زندگی (نمونه موردی: محله علی‌قلی‌آقا و ولیعصر در اصفهان)، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی، دوره ۷، شماره ۲۵، اصفهان، ۷۸-۵۹.
- ۶- خیرآبادی، مسعود، (۱۳۷۶)، شهرهای ایران، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد، نشر نیکا، چاپ اول، مشهد، ۱۵۹ ص.
- ۷- دانش‌پایه، نسار، حبیب، فرح، (۱۳۹۶)، معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه جدید

شهری

- (مطالعه موردی: منطقه ۲۲ و ۴ شهرداری تهران)، فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۷، شماره ۲۵، کردستان، ۳۰-۱۷.
- ۸- رحمانی، جواد، پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۹۵)، تحلیل و بررسی شاخص‌های مؤثر در هویت محله (نمونه موردی: محله مسگرهای شهر زنجان)، نشریه معماری و شهر پایدار، دوره ۴، شماره ۱، تهران، ۱۹-۳۰.
- ۹- رضوانی، محمدرضا، احمدی، علی، (۱۳۸۸)، مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی، فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، دوره ۱۰، شماره ۳۸، تهران، ۶۸-۴۵.
- ۱۰- سرایی، محمدحسین، روستا، مجتبی، اشنویی، امیر، (۱۳۹۴)، ارزیابی هویت محله‌ای در شهر جهرم، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۳، شماره ۱، تهران، ۶۹-۴۸.

- ۱۱- شارع‌پور، محمود، (۱۳۷۷)، آزمون تجربی نظریه مقوله‌بندی اجتماعی در میان کودکان ایرانی در استرالیا، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۶، شماره ۱۰، تهران، ۹۲-۷۳.
- ۱۲- شیانی، ملیحه، احمدپور، خسرو، (۱۳۹۶)، رابطه بین سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی بین شهروندان رشت، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۶۶، تهران، ۲۸۹-۲۵۵.
- ۱۳- عبداللهی، مجید، صرافی، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله، (۱۳۸۹)، بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۲، شماره ۷۲، تهران، ۱۰۲-۸۳.
- ۱۴- قاسمی، وحید، نگینی، سمیه، (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دوره ۲، شماره ۷، اصفهان، ۱۳۶-۱۱۳.
- ۱۵- قلی‌پور، سیاوش، کاظمی، علی، (۱۳۹۴)، گسترش نامکان‌ها و تهدید حیات شهری (مطالعه موردی: کرمانشاه)، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۲، شماره ۱، تهران، ۱۰۱-۷۷.
- ۱۶- کاظمیان، غلامرضا، مشکینی، ابوالفضل، بیگلری، شادی، (۱۳۹۰)، ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری محله‌ای ناحیه دو شهرداری منطقه ۴ تهران (محله‌های مجیدیه، شمس‌آباد و کالاد)، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۸، شماره ۲۱، تهران، ۲۸-۷.
- ۱۷- کاویانی‌راد، مراد، عزیزی کاوه، علی، (۱۳۹۰)، نقش هویت مکانی در بروز کنش سیاسی (مطالعه موردی: میدان و خیابان انقلاب تهران)، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۷، شماره ۲۰، تهران، ۱۶۷-۱۵۱.
- ۱۸- کرنگ، مایک، (۱۳۸۳)، جغرافیای فرهنگی، ترجمه مهدی قرخلو، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۲۷۸ ص.
- ۱۹- کمیلی، محمد، (۱۳۸۶)، شناخت هویت شهری بندرعباس، نشریه صفا، دوره ۱۷، شماره ۴۶، تهران، ۱۸۰-۱۶۸.
- ۲۰- کیانی، اکبر، سالاری سردی، فرضعلی، افراسیابی راد، محمدصادق، (۱۳۸۸)، بررسی هویت بخشی شهر فیروزآباد در بهسازی و نوسازی بافت تاریخی شهر گور با استفاده از تکنیک SWOT، فصلنامه جغرافیایی آمایش، دوره ۲، شماره ۶، ملایر، ۱۲۰-۱۳۸.
- ۲۱- گلرخ، شمین، (۱۳۹۱)، مکان و هویت شخصی: نقش محیط کالبدی در شکل‌گیری حس خود، نشریه شهر و معماری بومی، دوره ۳، شماره ۳، یزد، ۱۰۸-۹۷.
- ۲۲- لینچ، کوین، (۱۳۹۴)، تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، تهران، ۷۰۰ ص.
- ۲۳- مجیدی، بتول، حیدری، سامان، (۱۳۹۶)، ارزیابی هویت مکانی محله‌های شهری (مطالعه موردی: محله سنگلج منطقه ۱۲ شهر تهران)، دو فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دوره ۸، شماره ۱۶، تهران، ۲۲-۱۳.

۲۴- نقی‌زاده، محمد، (۱۳۸۶)، ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی، انتشارات شهرداری اصفهان، چاپ اول، اصفهان، ۵۳۸ ص.

۲۵- وارثی، حمیدرضا، عامل‌بافنده، مهدی، محمدزاده، محمد، (۱۳۸۹)، بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلبهار)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره اول، شماره ۲، مردشت، ۱۷-۳۶.

۲۶- وحید، فریدون، نگینی، سمیه، (۱۳۹۱)، ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای، دوره دوم، شماره ۲، دهاقان، ۳۵-۵۸.

- 27- Bailey, N., Kearns, A., and Livingston, M., (2012). **Place attachment in deprived neighbourhoods: The impacts of population turnover and social mix**, Housing Studies, 27 (2), Pp 208-231, ISSN 0267-3037.
- 28- Bardi, A., Jaspal, R., Polek, E., and Schwartz, S., (2014). **Values and identity process theory: Theoretical integration and empirical interactions**. In R. Jaspal & G.M.
- 29- Breakwell (eds.), Identity Process Theory: Identity, Social Action and Social Change, Cambridge: Cambridge University Press, Cambridge, 388 p.
- 30- Brown, Barbara, Perkins, Douglas, Brown, Graham, (2003). **Place attachment in a revitalizing neighborhood: Individual and block levels of analysis**, Journal of Environmental Psychology, Vol 23, Pp 259-271.
- 31- Chow, K., & Healy, M., (2008). **Place attachment and place identity: First-year undergraduates making the transition from home to university**, Journal of Environmental Psychology, Vol 28, Pp 362-372.
- 32- Dallago, Lorenza, Douglas D., Perkins, Massimo Santinello, Will Boyce, Michal Molcho, Antony Morgan, (2009). **Adolescent Place Attachment, Social Capital, and Perceived Safety: A Comparison of 13 Countries**, Am J Community Psychol, Vol 44, Pp 148-160.
- 33- Devine-Wright, P., Lyons, E., (1997). **Remembering pasts and representing places: The construction of national identities in Ireland**, Journal of Environmental Psychology, No 1, Vol 17, Pp 33-45.
- 34- Ernawati, Jenny, (2018). **Dimensions underlying place identity for sustainable urban development**, MATTER: International Journal of Science and Technology, ISSN 2454-5880, Volume 3 Issue 3, Pp 271-285.
- 35- Ganji Jameh Shouran, Farzaneh, Amir Shah Bande, Somayeh & Gheibi, Shamin, (2016). **Investigating the Factors Affect Individual's Attachment to place**, International Academic Journal of Science and Engineering, Vol 3, No 12, Pp 11-19, ISSN 2454-3896.
- 36- Hathaway, Zachary Lawrence, (2013). **"Neighborhood Identity and Sustainability: A Comparison Study of Two Neighborhoods in Portland, Oregon"**, Dissertations and Theses, 683 p.
- 37- Kaltenborn., b., Williams, D., (2002). **The meaning of place: attachments to Femundsmarka National park, Norway, among tourists and locals**, Norsk Geografisk Tidsskrift-Norwegian, Journal of Geography, Vol 56, Pp 189-198.
- 38- Lalli, marco, (1992). **urban-related identity: theory, measurement, And empirical findings**, Journal of environmental psychology, Vol 12, Pp 285-303.
- 39- Lappegard, Hauge, Ashild, (2008). **Identity and place: a critical comparison of three Identity theories**, <http://www.highbeam.com/DocPrint.aspx?DocId=1G1:160922464>.
- 40- Lewicka, M., (2008). **Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past**, Journal of Environmental Psychology, Vol 28, Pp 209-231.
- 41- Livingston, Mark, Bailey, Nick, Kearns, Ade, (2008). **People's attachment to place – the influence of neighbourhood deprivation**, published by the Chartered Institute of Housing/Joseph

- Rowntree Foundation, ISBN 978-1-905018-57-4 (pdf: available at www.cih.org and at www.jrf.org.uk).
- 42- Manzo, L., & Douglas, D., Perkins, (2006). **Finding Common Ground: The Importance of Place Attachment to Community Participation and Planning**, Journal of Planning Literature, Vol 20, No 4.
- 43- Musa, Majd, (2013). **Globalization, Identity, and the Urban Built Environment: A Theoretical Context**, University of Sharjah.
- 44- Payton, M.A., (2003). **Influence of Place Attachment and Social Capital on Civic Action: A Study at Sherburne National Wildlife Refuge**, master's thesis of Natural Resources Science and Management Program, University of Minnesota.
- 45- Proshansky, H.M., & Fabian, A.K., (1987). **The development of place-identity in the child**. In C. S. Weinstein & T.G. David (Eds.), *Spaces for Children* (pp 21-40), New York: Plenum.
- 46- Qazimi, Shukran, (2014). **Sense of place and place identity**, European Journal of Social Sciences Education and Research, Vol 1, No 1, Pp 306-310.
- 47- Radstrom, Susan, (2011). **A PlaceSustainingFramework for Local Urban Identity: an Introduction and History of Cittaslow**, IJPP Italian Journal of Planning Practice, Vol I, issue 1 2011.
- 48- Williams, R., Daniel, J., & Vaske, Jerry, (2003). **The Measurement of Place Attachment: Validity and Generalizability of a Psychometric Approach**, Forest science, Vol 49 (6), Pp 840-830.
- 49- Ujang, N., (2008). **Place Attachment, Familiarity and sustainability of urban place identity**, Department of Land scape Architecture, University putra Malaysia.
- 50- Ujang, N., (2012). **Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity**, 1st National Conference on Environment-Behaviour Studies, Faculty of Architecture, Planning & Surveying, Universiti Teknologi MARA, Shah Alam, Selangor, Malaysia, Pp 14-15.
- 51- Ujang, Norsidah, Zakariya, Khalilah, (2015). **The notion of place, place meaning and identity in urban regeneration**, Procedia-social and behavioral sciences, Vol 170, Pp 709-717.